



الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ

سوره مبارکه انعام آیه ۸۲

درس 2

حکمرانی دفاع و امنیت

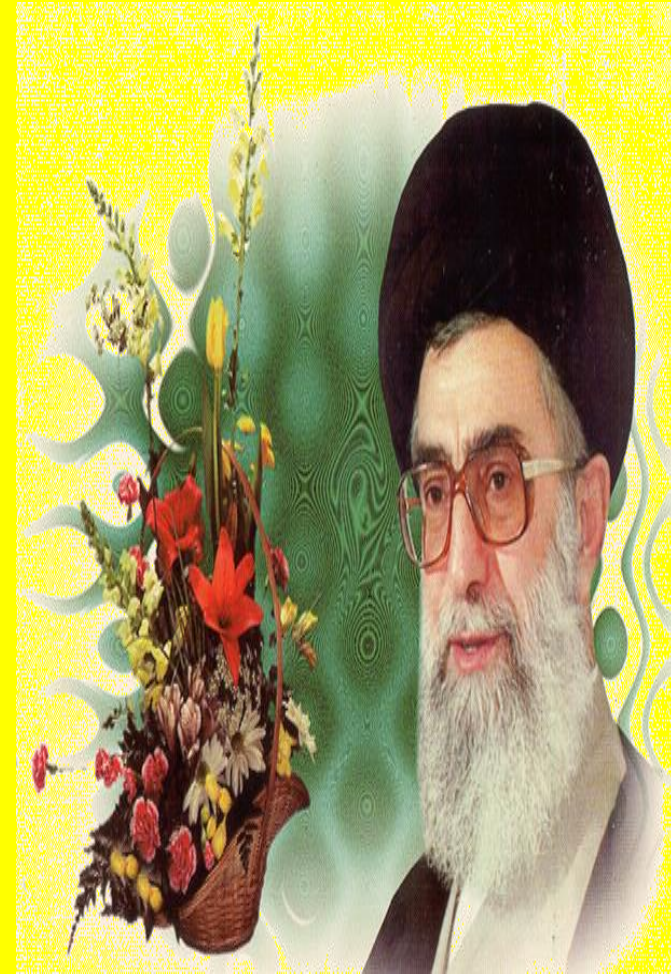
رابطه قدرت / دفاع / امنیت / منافع ملی

تهیه، تدوین و تدریس:

هادی جمشیدیان

گزیده ای از بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی)

ما باید فرض کنیم که همواره دشمن داریم و انقلاب تهدید میشود. نمیخواهیم بگویم حتماً جنگی علیه ما به راه خواهد افتاد؛ شکل خاصی از تهدید مورد نظرم نیست؛ اما آنچه که میتوانم در قلبم به آن معتقد باشم، این است که تهدید علیه نظام جمهوری اسلامی که انقلاب را با خود دارد و از او جدا نشده است، همیشگی است



بیانات در مراسم بیعت فرماندهان سپاه

۱۳۶۸/۰۴/۱۹

مفهوم تهدید

تهدید که معادل آن در زبان انگلیسی **Threat** می باشد، در لغت، معنای مختلف اما نزدیک به هم دارند. در زبان فارسی **فرهنگ عمید** آن را ترسانیدن، بیم دادن و بیم عقوبت دادن معنا کرده است.

لغت نامه وبستر برای تهدید دو تعریف ارائه داده است: نخست تهدید را بیان و ابراز قصد آسیب رساندن، نابود یا تنبه کردن دیگران از روی انتقام یا ارباب می داند و در تعریف دوم آن را نشان دادن خطر، آسیب و شرارت قریب الوقوع مانند جنگ تعریف کرد.

لغت نامه آکسفورد نیز برای تهدید دو تعریف ارائه داده است: نخست، تهدید قصد ابراز شده برای صدمه یا آسیب رسانی یا دیگر اقدامات خصمانه علیه کسی معرفی می شود و در تعریف دوم به شخص یا چیزی گفته می شود که بتواند خطر یا صدمه ای ایجاد کند.

در **فرهنگ استر اثری** نیز واژه تهدید به این شرح تعریف شده است: «قابلیت ها، نیات و گاه اقدام دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت آمیز به علایق و مقاصد ملی، به نحوی که ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور به خطر افتد.

تهدید یکی از مهمترین مفاهیم در معنا کردن **امنیت ملی** می باشد. این معنا قدمتی دیرپا تر از مفهوم امنیت ملی دارد و قبل از آن نیز در ادبیات راهبردی بکار گرفته شده است.

مفهوم تهدید

در مورد **تهدید** تعاریف مختلفی ارائه شده است. یکی از تعاریف قابل توجه در این زمینه عبارت است از «**خطر یا آسیبی که ارزشهای حیاتی یک جامعه یا واحد سیاسی را هدف قرار می‌دهد**»

بر این اساس تهدید به تعبیری ساده و روان تر به معنای تأثیر بازیگر الف بر ارزش‌های بازیگر ب و عدم توانایی بازیگر ب در دفع آن می‌باشد.

بنابراین تهدید را می‌توان بشرح ذیل تعریف نمود:

الف) تهدید دارای **عامل معین** بوده و منشاء آن **حریف** است.

ب) تهدید امری **بالقوه** و از جنس **توانایی** است.

ج) تهدید، همواره **نقطه هدف** و **آماج معینی** را نشانه می‌رود.

مفهوم تهدید

تهدید به احساس عینی از یک حالت یا وضعیت دلالت دارد که هم برای طرفین درگیر و همچنین برای یک ناظر مستقل و بیطرف حکایت از یک خطر قریب الوقوع میکند. تهدید یک عنصر ذهنی دارد که ادراک و احساسات طرفین درگیر را شامل میشود.

مارتین

هر چیزی که بتواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر بیندازد میداند و تهدیدات، منافع ملی را هدف و نشانه خود قرار می دهند.

لرنی

تواناییها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت آمیز خودی به علائق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله به نحوی که نیل به این علائق و مقاصد به خطر بیافتد را تهدید گویند

جان کالینز

تهدید یعنی آنچه که موجب به خطر افتادن امنیت یک کشور می گردد

مورتون
برکوویتز و

فقدان امنیت، ایجاد اختلال در تواناییهای کشور در کسب اهداف ملی، اقداماتی که کمیت و کیفیت زندگی مردم یک کشور یا دامنه اختیارات حکومت را به طور جدی کاهش دهد.

باری
بوزان

مفهوم تهدید

تهدید عبارت از وضع و حالتی است که در آن مجموعه ای از ادراکات و تصورات نسبت به پدیده ها و رابطه آنها با بقاء، کمیت یا کیفیت ارزشهای اساسی و مورد احترام بر وجود خطر جدی یا امکان نابودی آن ارزشها دلالت می کنند

سیامک
ره پیک

"منظور از تهدید هر عنصر یا وضعیتی است که موجودیت و ارزشهای اساسی را به خطر بیندازد".

حسین
حسینی

توانایی ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه (داخلی و خارجی) برای ممانعت از دستیابی موفقیت آمیز به علایق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله به نحوی که نیل به این علایق و مقاصد به خطر بیفتد.

محمدرضا
تاجیک

هرگونه تجاوز به حق حاکمیت دولتها در اداره امور داخلی و خارجی آنها، تهدید در برابر امنیت ملی آن کشورها به شمار میاید

فرهاد
درویشی سه
تلانی

تصور ما از تهدید در واقع بخشی از تصور کلان تری، که همان تصور ما از دیگران باشد، است. یعنی نخست ما دیگری را بعنوان مخالف خود تصویر میکنیم و سپس در درون آن تصویر کلان، به تصویر خردتر تهدید میرسیم. در واقع ما خود تهدید را در بطن تصویر اول لحاظ کرده و سپس آن را استخراج و عرضه میداری

اصغر
افتخاری

مفهوم منتخب تهدید

مجموعه عوامل و شرایطی که در تقابل با سازمان یا نظام سیاسی یک کشور آن را از حالت **تعادل** خارج سازد به نحوی که :

1. **بقاء** سیستم به مخاطره افتد.
2. سیستم به **هدف** خود نرسد.
3. **تأخیر** جبران ناپذیری در تحقق اهداف پیش آید.

انواع تهدیدات متداول در دنیای امروز

- الف) تهدیدات سیاسی
- ب) تهدیدات اقتصادی
- ج) تهدیدات فرهنگی
- د) تهدیدات نظامی
- ه) تهدیدات رسانه ای (عملیات روانی)
- و) تهدیدات اجتماعی
- ز) تهدیدات زیست محیطی
- ح) تهدیدات سایبری
- ط) تهدیدات نوین (شیمیایی، میکروبی، هسته ای و...)
- ی) تهدیدات اطلاعاتی (جاسوسی و نفوذ)

آسیب پذیری چیست؟

عبارت است از نقاط ضعف حوزه خودی که در اثر هر نوع اقدام دشمن و یا کاربرد هر وسیله ای شدیداً متاثر شده و باعث کاهش قابلیت ها و توانمندی ها و در نتیجه عدم تحقق اهداف یک سازمان یا نظام سیاسی کشور گردد.



رابطه خطی و مستقیم آسیب پذیری با تهدید

به عبارت دیگر:

آسیب پذیری ← منشاء درونی در حوزه خودی دارد
تهدیدات ← منشاء بیرونی از حوزه حریف به حوزه خودی دارد.

ویژگی های آسیب پذیری

ویژگیهای آسیب پذیری رامی توان به شرح زیر برشمرده:

الف) منشاء آسیب پذیری حوزه‌ی **خودی** است.

ب) آسیب پذیری ماهیتا **قابلیت** و **استعداد** است.

ج) آسیب پذیری از جنس **ضعف** یا **نقص** است.

رابطه قدرت / امنیت

مفهوم قدرت :

قدرت در فرهنگهای عربی زبان، در اصل از ماده "**قدر**" به معنای "ظرفیت واقعی و حد نهایی و کامل هر چیز" گرفته شده است. بعضی از ارباب لغت **قدرت** را با توجه به رابطه آن با "**قدر**" معنا کرده‌اند. از جمله **قدرت** خداوند بر آفریدگانش به این معناست که ظرفیت و حد نهایی که خود خواسته و اراده کرده است به آنها می‌دهد.

قدرت هرگاه در توصیف انسان بکار رود به معنی حالتی است که با آن، انسان به انجام کاری موفق می‌شود، ولی اگر بعنوان وصفی برای خداوند بکار رود به این معناست که او از انجام هیچ کاری عاجز نیست. مهمترین واژگان مترادف با "**قدرت**" در زبان عربی "**سلطه**" و "**اقتدار**" است که به زبان فارسی نیز راه یافته است و به ویژه در اصطلاحات "علوم سیاسی" کاربرد فراوانی دارد. در ضمن مفهوم لغوی آن متضمن معنی اراده نیز هست

رابطه قدرت / امنیت

فرهنگ‌های زبان فارسی، واژه **قدرت** را در مفاهیم «توانستن»، «توانایی داشتن» که معنی مصدری آن است و «توانایی» که اسم مصدر است به کار برده‌اند گاهی نیز مترادف با کلمه «استطاعت» و به معنی قوه‌ای که واجد شرایط تأثیرگذاری باشد به کار رفته است و همچنین به «صفتی که تأثیر آن بر وفق اراده باشد» معنا شده است. در مجموع می‌توان گفت، این معنا با مفهوم **قدرت** در علم کلام شباهت زیادی دارد. کلمه **قدرت** در اصل از زبان عربی به فارسی انتقال یافته است.

در فرهنگ سیاسی غرب واژه‌هایی مثل Authority و Power به عنوان معادل کلمه «**قدرت**» به کار رفته است که به معنی **استعداد و توانایی انجام کار** می‌باشد.

رابطه قدرت / امنیت

بین **قدرت** و **امنیت** قائل به نوعی رابطه دائمی و منطقی است. در سنن و دیدگاه گذشته و عادت بر این بوده است که **امنیت** مملکت را معادل و مساوی با **قدرت** و **امنیت** نظامی دانسته و اعمال **قدرت** نظامی یعنی توسل به جنگ به جهت حفظ **امنیت** و کسب منافع ملی یکی از متدهای معمول در روابط بین الملل از بدو تاریخ سیستم کشوری بوده است. ولی این بدین معنی نیست که **امنیت** فقط از طریق اسلحه، تکنولوژی جنگی و دکتورین‌های نظامی بدست می‌آید، بلکه جنگ و توسل به **قدرت** نظامی آخرین راه حل می‌باشد.

رابطه قدرت / امنیت

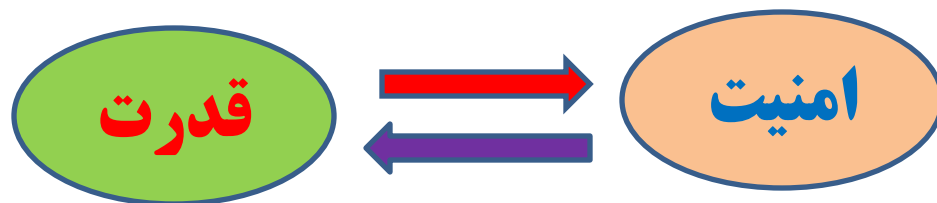
به طور کلی **قدرت** پایه سیاست **امنیت ملی** را از لحاظ دامنه و گستردگی و حتی نوع سیاست تعیین می‌نماید. سیاست امنیتی از طریق عوامل **قدرت** اجرا می‌شود. به این معنی که حفظ **امنیت** از طریق افزایش **قدرت** ممکن می‌گردد. از نگاه دیگر باید گفت عوامل **قدرت ملی** در حقیقت ابزارهای تأمین **امنیت ملی** هستند. واحدهای سیاسی معمولاً دو نوع بهره‌برداری از عوامل **قدرت** می‌نمایند. این دو عبارتند از:

اول: بهره‌برداری در جهت **توسعه**.

دوم: بهره‌برداری در راستای تأمین **امنیت**.

رابطه قدرت / امنیت

امروزه حفظ امنیت ملی هر واحد سیاسی از راه افزایش قدرت ملی و ایجاد توازن در عوامل تشکیل دهنده آن میسر بوده و افزایش یکی از این عوامل اگر متناسب با افزایش عوامل دیگر نباشد، می‌تواند موجب ایجاد تهدید برای امنیت ملی گردد. نهایتاً آن که تعامل دو سویه‌ای بین دو مفهوم قدرت و امنیت برقرار است. قدرت بیش‌تر باعث دستیابی به امنیت بالاتر و استقرار امنیت، زمینه بسط قدرت بیش‌تر است. هر چند در بررسی این رابطه تعاملی باید به نسبی بودن آن نیز توجه داشت.



تعامل دو سویه‌ای بین دو مفهوم قدرت و امنیت

مفهوم قدرت / امنیت

خلاصه اینکه **قدرت**، مجموعه توانمندی های بازیگرانی هم چون دولت ها است. **قدرت** به معنی توانایی کنترل یا اثرگذاری بر پیامدها و اقدامات دیگران نیز می باشد. عوامل **قدرت** بسیار متعدد بوده و عمدتاً در متون امنیتی احصاء شده اند. که از آن جمله جغرافیا، منابع طبیعی، مواد خام، توان صنعتی، آمادگی و قدرت نظامی، تکنولوژی، رهبری، کمیت و کیفیت نیروهای مسلح، جمعیت، منش و روحیه ملی، کیفیت دیپلماسی، همبستگی اجتماعی و قدرت فرهنگی، قدرت اقتصادی و..... را می توان نام برد.

رابطه منافع ملی / امنیت ملی

مفهوم منافع ملی:

منافع ملی دارای مفهومی پیچیده و تعریفی گوناگون است و شاید بتوان آن را به معنای «**هدف های اولیه و همیشگی کشور**» دانست .

این هدفها به ارزشهای چهارگانه زیر اطلاق می گردد:

(الف) امنیت ملی ؛

(ب) رفاه اقتصادی ؛

(ج) حفظ و ازدیاد قدرت کشور در ایجاد ارتباط با کشورهای دیگر

(د) شخصیت .

رابطه منافع ملی / امنیت ملی

آزگود Osgood ، نویسنده و محقق سیاست خارجی، **منافع ملی** را چنین تعریف می‌کند:

«اموری که ارزش آنها صرفاً مبتنی بر فایده‌ای است که برای ملت دارند جزو **منافع ملی** محسوب می‌شوند» به عقیده او عناصر و مصادیق خارجی منافع ملی، پدیده‌ها و ارزش‌های زیرند:

- ۱- حفظ سرزمین ؛
- ۲- حفظ استقلال و حاکمیت ؛
- ۳- حفظ نهادهای اساسی جامعه ؛
- ۴- حفظ شخصیت ؛
- ۵- تقویت قدرت ملی ؛
- ۶- کارآیی در اداره امور خارجی ؛

«**منافع ملی**» به این مفهوم مترادف با «**امنیت ملی**» است، یعنی صیانت ذات کشور در روابط بین الملل. در روابط بین الملل، **منافع ملی**، **امنیت ملی** و صیانت ذات به جای یکدیگر استعمال می‌شوند و مقصود از هر سه، کسب و حفظ ارزش‌ها و هدف‌هایی است

رابطه منافع ملی / امنیت ملی

منافع ملی: ارزش ها، هدف های بنیادین و پایدار و نیازهای اساسی هر کشور (دولت و ملت) است که تأمین آنها ضامن بقا و ادامه ی حیات مادی و معنوی (در سطح ملی و فراملی) است و به خطر افتادن آن ها موجب تهدید امنیت ملی و ثبات کشور خواهد شد مانند حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت ملی و منافع سیاسی و اقتصادی در خارج مرزها.

منافع ملی را با توجه به میزان اهمیت، اولویت، پایداری، موضوع و ... تقسیم بندی می کنند که برخی از این تقسیمات عبارت اند از: منافع حیاتی - حساس - مهم، پایدار - متغیر، مشترک - خاص، اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - ژئوپلیتیک و ..

رابطه منافع ملی / امنیت ملی

امنیت ملی چهره ای از **منافع ملی** است. منافع ملی عبارت است از مجموعه عناصر عینی (مادی) و ذهنی (معنوی) یک جامعه. یعنی عوامل موثر در **منافع ملی** هم شامل عناصر مادی اند همچون: موقعیت جغرافیایی، امکانات اقتصادی، منابع طبیعی، جمعیت و رشد اقتصادی؛ و هم شامل عناصر معنوی همچون: بلوغ اجتماعی و فرهنگی، خصوصیات ملی، مهارت دیپلماتیک، اخلاق و رویه اجتماعی، و رسالت و اصالت رهبری. البته در جوامع گوناگون نقش رهبری در شکل بخشیدن به **منافع ملی**، متفاوت است. در جوامعی که روابط اجتماعی جنبه نهادین و عقل گرا یافته اند، **منافع ملی** برای جامعه تبیین شده است.

در واقع، **امنیت** در زمره اهداف و **منافع** و ارزش‌های اصولی و پایدار جامعه است. **منافع ملی** را مترادف با امنیت ملی می‌داند. وی می‌گوید: «**امنیت ملی** و یا به تعبیر دیگر **منافع ملی** - مجموعه شرایط و امکانات پویایی است که تحقق نیازهای سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی را میسر می‌سازد. این شرایط و امکانات، خود ملهم از وضع ژئوپلیتیکی، ساختار اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی یک جامعه، و بالاخره جایگاه آن در صحنه بین‌المللی است.

رابطه منافع ملی / امنیت ملی

اگر **منافع ملی** را مجموعه منافع و اهدافی که دولت‌ها در پی کسب آن هستند بدانیم، حفظ و حراست از دست‌آوردهای **منافع ملی** بر عهده امنیت ملی خواهد بود.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که **امنیت ملی** به فرایندهای زیر اطلاق می‌شود:

۱- حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان و دین مردم، بقاء و ادامه سیستم اجتماعی و حاکمیت کشور (سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی)

۲- حفظ و ارتقاء منافع حیاتی کشور.

۳- فقدان تهدید جدی از خارج نسبت به **منافع ملی** و حیاتی کشور، چرا که امروز سازگار کردن محیط با اهداف داخلی بسیار مهم است.

رابطه دفاع / امنیت

دفاع ملی تضمین کننده **امنیت ملی** کشور و عامل بازدارنده در حفظ و بقای نظام است و در صورت به مخاطره افتادن **امنیت** و **منافع ملی** به عنوان یک عامل موثر در مقابله و دفع تهدید با تمام توان و قدرت ملی خود به دفاع برخواهد خواست.

پس **دفاع ملی** درتأمین و تداوم **امنیت ملی** یک کشور موثر است و مهمترین مولفه **قدرت ملی** یعنی **دفاع نظامی** نقش آفرین است.

نظریه‌های امنیتی

در یک نگاه کلی نظریه‌ها را به لحاظ رویکرد می‌توان به سه دسته‌ی کلی تقسیم کرد:

نظریه‌های

پست پوزیتیویستی

فراساختارگرایان

مطالعات امنیتی انتقادی

مطالعات امنیتی فمینیستی

سازه‌انگاران

نظریه‌های

پوزیتیویستی و سنتی

رنالیسم

لیبرالیسم

مکتب امنیتی جهان سوم

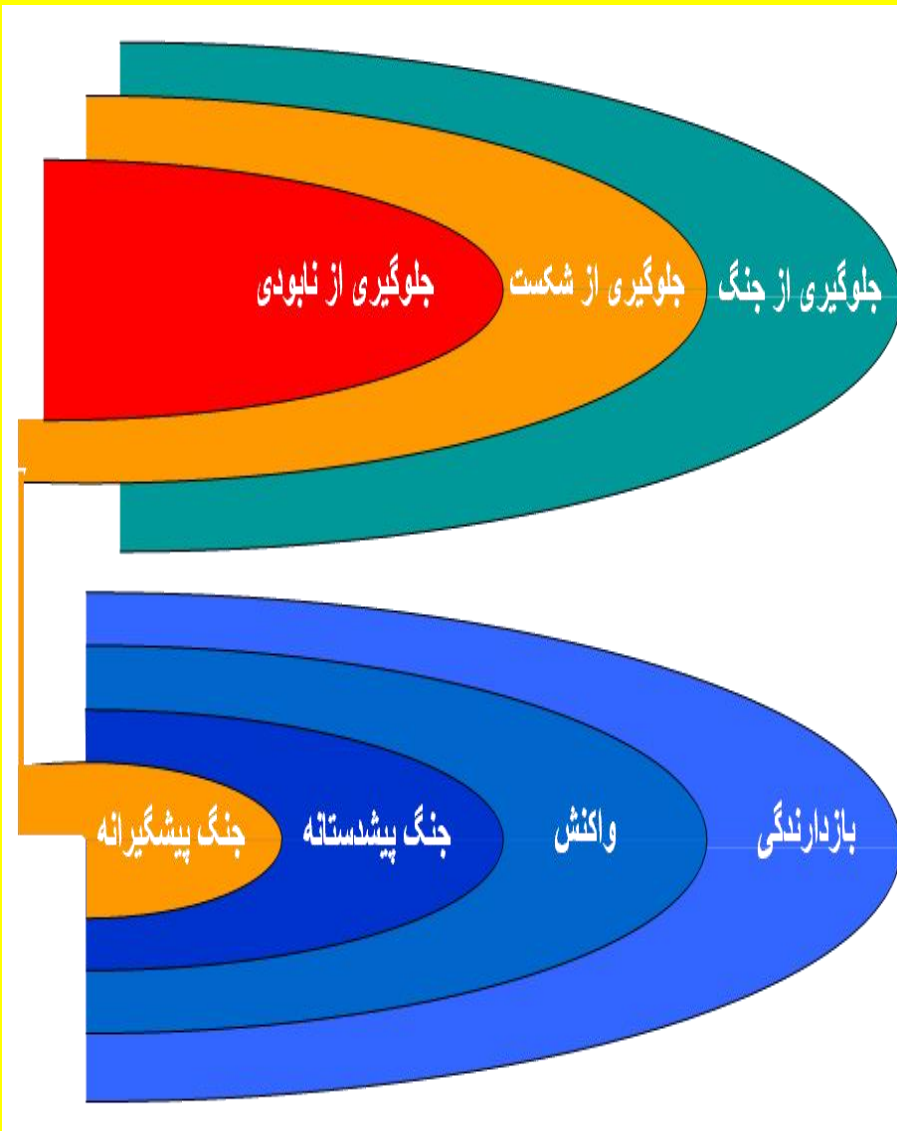
مکتب کپنهاک

مطالعات رئالیستی

تفکر و نگرش امنیتی واقع‌گرایان بر پنج مفروض اساسی پایه‌ریزی گردیده است و این مفروضات در واقع مبنا و پایه رویکردهای امنیتی این رهیافت را شکل می‌دهد.

- 1. هرج و مرج گونه بودن نظام بین‌الملل:**
مراد از این مفروض وجود بی‌نظمی در نظام بین‌الملل نمی‌باشد بلکه به معنای آن است که هیچ‌گونه اقتدار برتری به منظور ایجاد قواعد و رویه‌های قانونی وجود ندارد و حاکمیت ذاتی کشورهاست.
- 2. گرایش کشورها به کسب و یا حفظ حداقلی از توانمندی‌های تهاجمی نظامی:**
کشورها به‌طور بالقوه برای یکدیگر خطرناک هستند.
- 3. فقدان اعتماد به دیگران:**
کشورها هرگز نمی‌توانند از مقاصد سایر کشورها مطمئن شوند. زیرا مقاصد و انگیزه‌ها پایدار نمی‌باشند.
- 4. بقا موتور محرک کشورها:**
اساسی‌ترین انگیزه‌ای که دولت‌ها را به حرکت درمی‌آورد انگیزه بقا است.
- 5. تفوق منطق راهبردی و عقلانی بر نگرش و رفتار دولت‌ها:**
دولت‌ها در مورد چگونگی بقا در نظام بین‌الملل راهبردی فکر می‌کنند. از سوی دیگر دولت‌ها اساساً خردمند هستند ولی در دنیای اطلاعات ناقص عمل می‌نمایند.

مدل امنیتی مطالعات رئالیستی



• رویکرد واقع گرایی دارای سه لایه است:

1. جلوگیری از جنگ،
2. جلوگیری از شکست
3. جلوگیری از نابودی

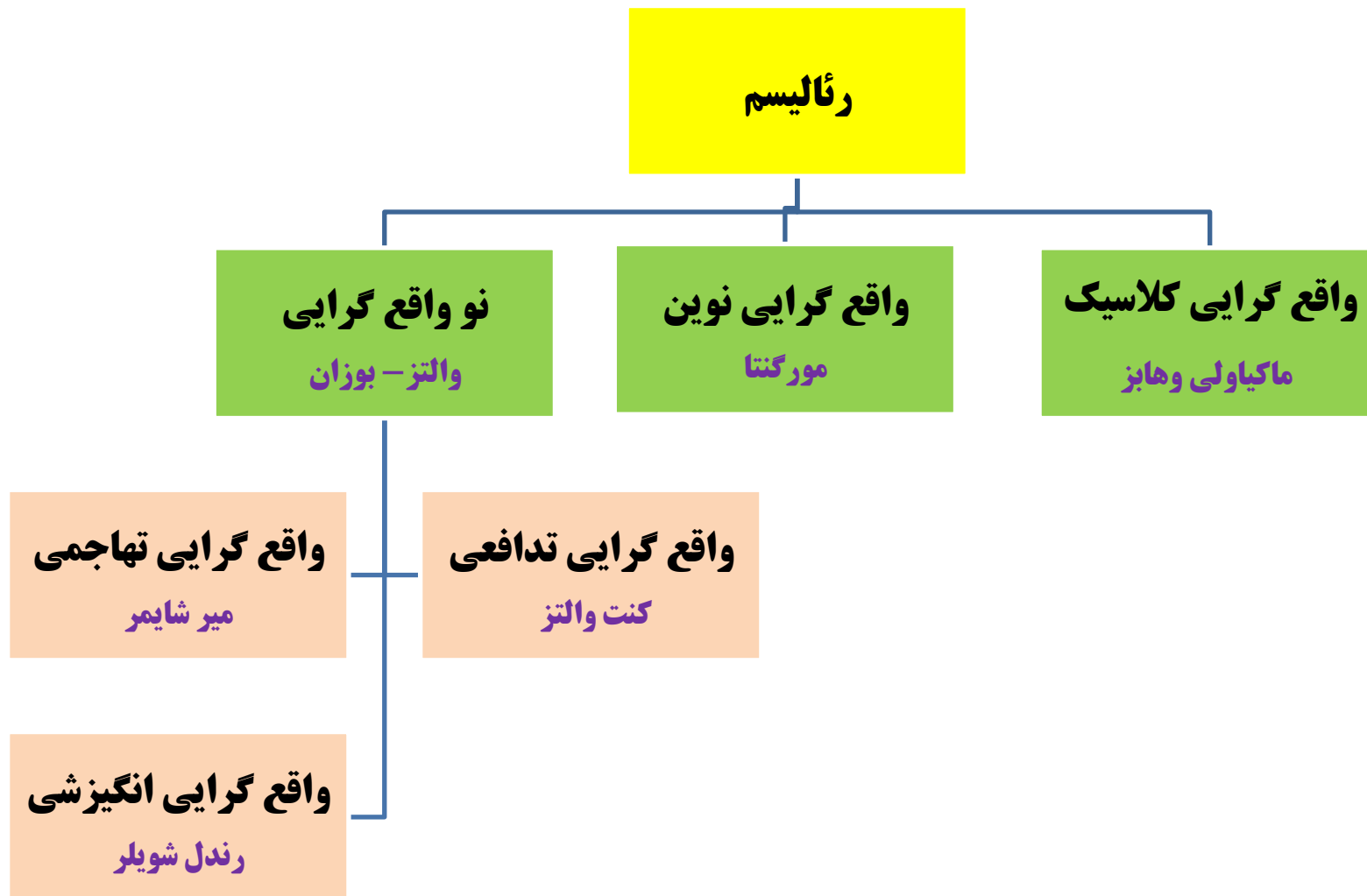
اصول رویکرد تهاجمی از لایه دوم معادله امنیت یعنی جلوگیری از شکست پدید می آید. زیرا رویکرد تهاجمی قائل به جلوگیری از جنگ نبوده و آن را امکان پذیر نمی دانند. بر این اساس **مدل امنیتی در رویکرد تهاجمی** در چهار لایه قابل ترسیم است:

1. لایه اول؛ بازدارندگی
2. لایه دوم؛ واکنش
3. لایه سوم؛ جنگ پیشدستانه
4. لایه چهارم؛ جنگ پیشگیرانه

مدل چهار لایه به معنای مرحله ای بودن نمی باشد بلکه به معنای اولویت بندی استراتژی های بزرگ و تکمیل کنندگی استراتژی های بزرگ مورد نظر نسبت به یکدیگر می باشد.

مطالعات رئالیستی

رئالیسم از ابتدای قرن بیستم تا ۱۹۷۹ و نئورئالیسم از ۱۹۷۹ به بعد تقسیم‌بندی شده‌اند.

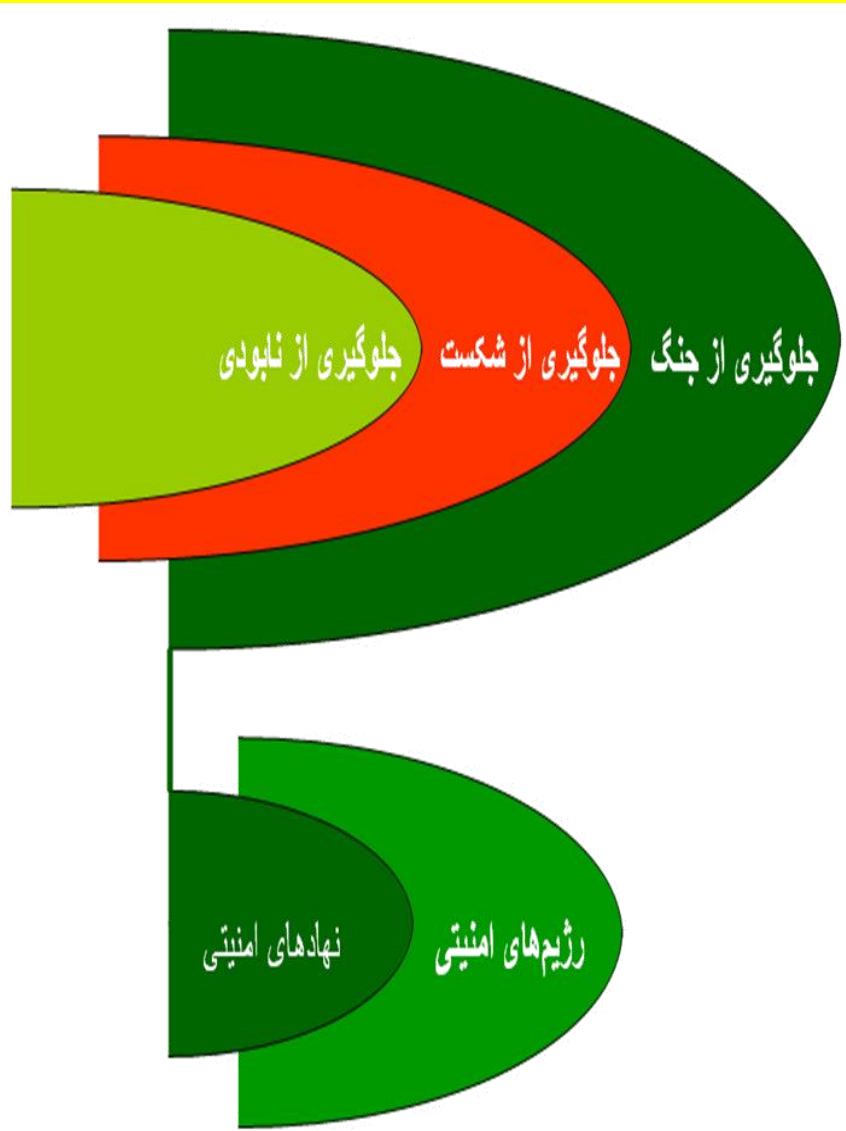


مطالعات امنیتی لیبرالیستی

مبانی:

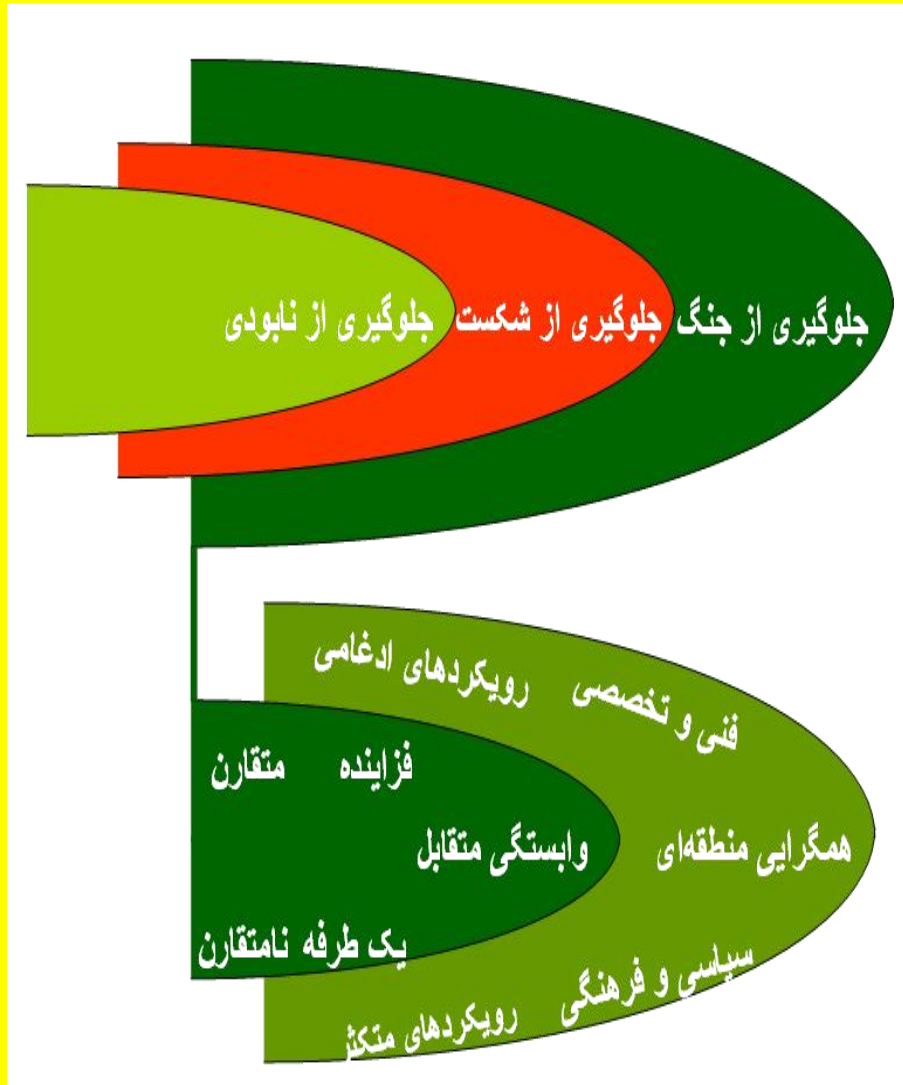
- بر خلاف رئالیست‌ها بر **صلاح** متکی هستند
- ضمن تاکید بر **آناشیک بودن** نظام بین‌الملل اما این وضعیت را غیر قابل اجتناب نمی‌دانند
- برنده میدان جنگ به‌طور مستمر از سوی شکست خوردگان و ناظران به چالش کشیده می‌شود (ایمنی بیشتر فعلی همراه با تهدید و ناامنی آتی است)
- سیاست قدرت حاصل **عقاید** است و عقاید **قابل تغییر** هستند
- درنظم لیبرالی رمز عبور «**آزادی**» است بر خلاف رئالیسم که رمز عبور از آن «**امنیت**» می‌باشد.
- اصل **اعتماد** به کشورهای لیبرال دموکراسی و عدم اعتماد به دیگر کشورها (خودی و غیر خودی)
- اصل **جهان‌گشایی** (توسعه مناطق لیبرالی یا لیبرالیزه شدن کشورها)

مطالعات لیبرالیستی امنیت



- مدل امنیتی **رویکرد امنیت نهادگرا** از لایه اول معادله امنیت یعنی جلوگیری از جنگ منشعب می‌شود
- با توجه به آموزه‌های این رویکرد **جلوگیری از جنگ** که در واقع مدیریت ناامنی مبتنی بر صلح منفی می‌باشد از طریق رژیم‌های امنیتی که عموماً از نهادهای امنیتی زاده شده در لایه اول و خود نهادهای امنیتی در لایه دوم شکل می‌گیرد.
- به این ترتیب این مدل دارای دو لایه می‌باشد و **اقدام نظامی علیه بازیگر شورشگر** نیز در لایه دوم طراحی و به مرحله اجرا درمی‌آید.

مطالعات لیبرالیستی امنیت



❖ مدل امنیتی در رویکرد امنیت متکثر از لایه سوم معادله امنیتی (رئالیستها) یعنی جلوگیری از جنگ منشعب شده است.

❖ دو لایه همگرایی منطقه‌ای و وابستگی متقابل دارد.

❖ لایه اول کشورها از طریق ارتباطات دوجانبه یا چندجانبه و در چارچوب یک نهاد و یا تحت قالب یک رژیم به خصوص و یا همکاری افزایش همگرایی منطقه‌ای را دنبال خواهند کرد.

❖ لایه دوم با ایجاد وابستگی متقابل از بروز جنگ جلوگیری می‌گردد.

مقایسه مکاتب امنیتی

| مکتب | امنیت چه کسی؟ یا چه چیزی؟ (مرجع امنیت) | در مقابل چه چیزی؟ (موضوع امنیت) | چگونه؟ (روش امنیت) |
|--------------|--|------------------------------------|--|
| رنالیسم | دولت | تهدید خارجی | خشونت |
| نئورنالیسم | دولت | غالباً تهدید؛ بعضاً آسیب | غالباً خشونت آمیز و بعضاً آرام |
| لیبرالیسم | جامعه بین‌المللی | آسیب‌پذیری | آرام و تدریجی - در سطح بین‌المللی از طریق همکاری - در سطح داخلی از طریق مشارکت |
| نئولیبرالیسم | جامعه | غالباً آسیب؛ بعضاً تهدید | غالباً آرام و بعضاً خشن |